

مقاله‌ی پژوهشی

مقایسه‌ی شایستگی‌های عاطفی یادگیری دانش‌آموزان دختر دوره‌ی راهنمایی تحصیلی
مدارس عادی با هوشمند

خلاصه

مقدمه: هدف پژوهش حاضر، مقایسه‌ی شایستگی‌های عاطفی یادگیری دانش‌آموزان دختر دوره‌ی راهنمایی تحصیلی در مدارس عادی و هوشمند شهرستان رودسر در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ بوده است.

روش کار: روش پژوهش حاضر، علی-مقایسه‌ای و ابزار مورد استفاده، پرسش‌نامه‌ی شایستگی عاطفی گلמן (۱۹۹۸) بود. به منظور تعیین پایایی پرسش‌نامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که ۰/۸۴ به دست آمد. در این پژوهش از آمار توصیفی (توزیع فراوانی، درصد، میانگین و انحراف استاندارد) و از آزمون تی مستقل استفاده شد.

یافته‌ها: تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که بین شایستگی‌های عاطفی یادگیری دو گروه از دانش‌آموزان در مولفه‌های خودآگاهی، خودتنظیمی، خودانگیزشی، آگاهی اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ($P > 0/05$).

نتیجه‌گیری: نتایج نشان می‌دهد که بین شایستگی‌های عاطفی یادگیری دانش‌آموزان دختر مدارس عادی و هوشمند، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: شایستگی، عاطفی، مدارس، یادگیری

*رضوانه طاوسی رودسری

معاون پرورشی و فرهنگی دوره‌ی راهنمایی و

متوسطه، رودسر، ایران

*مؤلف مسئول:

رودسر، ایران

faragire90@gmail.com

تاریخ وصول: ۹۵/۰۶/۰۱

تاریخ تایید: ۹۵/۰۷/۰۸

مقدمه

از جمله ویژگی‌های انسان، استعداد خاص او برای یادگیری^۱ است. اهمیت نقش عواطف^۲ در یادگیری نیز موجب شده است که از دیرباز به منظور تحریک، تاثیرگذاری و هدایت اندیشه‌ها، این بعد از وجود انسان مورد توجه مربیان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت قرار گیرد. علاوه بر این، شناخت عواطف و نحوه رشد و میزان تاثیرگذاری آنها در یادگیری رفتار فردی و اجتماعی و نیز پرورش متعادل آنها جهت پیشگیری از فقر عاطفی و کسب پیشرفت‌های علمی و اخلاقی از مباحث تربیتی است (۱). از سوی دیگر، با ظهور و توسعه‌ی پدیده‌ی فناوری اطلاعات^۳، روند تحولات جهانی با شتابی بیشتر با محوریت عنصر اطلاعات و دانایی در حال گسترش است. این پدیده بیش از یک دهه به عرصه‌ی تعلیم و تربیت پا نهاده و نظام‌های آموزشی و محیط‌های تحصیلی را به چالش فراخوانده است. بی‌تردید یکی از مهمترین دستاوردهای توسعه فناوری اطلاعات، تحول در عرصه‌ی آموزش و پرورش^۴ است. توسعه‌ی کلاسهای مجازی^۵، مدارس هوشمند و به طور کلی یادگیری الکترونیکی^۶ و برخط^۷ شدن آموزش‌ها و نیز کاهش و یا حذف کنش متقابل و ارتباط‌های رو در رو، تا آنجا پرورش بعد عاطفی در تعلیم و تربیت نوین را با چالش مواجه کرده است (۲) که به نظر می‌رسد این امر مستلزم تعریف نوینی از نقش و کارکرد مدارس به عنوان اصلی‌ترین نهاد آموزشی در جامعه است.

از طرفی، بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات^۸ امروزه نه به عنوان ابزار، بلکه در قالب زیرساخت توانمندساز برای تعلیم و آموزش حرفه‌ای مطرح است و غالب دست‌اندرکاران نظام تعلیم و تربیت بر این نکته تاکید دارند که شایستگی‌های عاطفی یادگیری^۹ دانش‌آموزان شامل خودآگاهی^{۱۰}، خودتنظیمی^{۱۱}، خودانگیزی^{۱۲}، آگاهی اجتماعی^{۱۳} و مهارت‌های اجتماعی^{۱۴} که نقش موثری را در زندگی فردی و اجتماعی آنان بازی می‌کند، باید مورد توجه بیشتری قرار گیرند. زیرا شایستگی‌های عاطفی، مجموعه‌ای از خصوصیات شخصیتی است که در سرنوشت و سبک زندگی دانش‌آموز، موثر است و موجب می‌شود که فرد از

شیوه‌های مناسب برای گذران زندگی و مراحل آن استفاده کند. برحسب تعریف، خود آگاهی، یک نوع توانایی فردی برای درک احساسات و حالات خلقی، خودتنظیمی، مهارت در بیان احساسات به صورت مناسب و جامعه‌پسند، خودانگیزی، جهت‌دادن و هدایت عواطف به سمت و سوی هدفی مشخص، آگاهی اجتماعی، توانایی درک احساسات دیگران و استفاده از احساسات خود در جهت دستیابی به خواسته‌های هدفمند، و سرانجام مهارت اجتماعی، توانایی ارتباط با دیگران در موقعیت‌های مختلف اجتماعی یا همان ظرفیت اجتماعی است (۳).

با وجود اهمیت شایستگی‌های عاطفی یادگیری، غالب صاحب‌نظران بر این باورند که هنوز چرخه‌ی آموزش و پرورش بر پایه‌ی یک حرکت سنتی و عمدتاً حول محور آموزش شناختی^{۱۵} می‌چرخد و پرورش شایستگی‌های عاطفی نادیده انگاشته شده و یا کمتر مورد توجه قرار گرفته از این رو، نقش بعد عاطفی در فرایند یاددهی-یادگیری قابل تامل به نظر می‌رسد (۴).

امروزه از مهمترین مسئله و دغدغه‌ی هر نظام آموزشی و پرورشی، بسترسازی مناسب جهت رشد و تعالی سرمایه‌های فکری در جامعه‌ی اطلاعاتی و دانایی‌محور است. مدارس نیز از مهمترین نهادهای اجتماعی و اصلی‌ترین رکن تعلیم و تربیت هستند که هدایت و رشد همه‌جانبه‌ی دانش‌آموزان در ابعاد اجتماعی، شناختی، و عاطفی و روانی را بر عهده دارند. مدرسه‌ی هوشمند^{۱۶} که در آن روند اجرای کلیه فرایندها اعم از مدیریت، یاددهی و یادگیری، منابع آموزشی و کمک آموزشی، ارزشیابی و غیره مبتنی بر فناوری و به صورت پژوهش محور طراحی شده است (۵) در این خصوص توجه بیشتری را به خود معطوف کرده است. از طرفی، غالب صاحب‌نظران آموزشی و تربیتی معتقدند که یادگیری شایستگی‌های عاطفی به همان اندازه‌ی یادگیری‌های شناختی مانند ریاضی و خواندن اهمیت دارد. زیرا عواطف؛ به مثابه نیروی انگیزشی و پویایی در تحول شناخت محسوب می‌شوند و شناخت و عاطفه دو جزء مستقل، اما مکمل یکدیگرند (۶). از نظر دیونو^{۱۷}، شایستگی‌های عاطفی به منزله‌ی راهنمای مفید برای کسب مهارت‌های زندگی و همچنین سنجش بهبود واکنش‌های دانش‌آموزان نسبت به رخدادهای زندگی، آن هم طی سالهای یادگیری در مدرسه است. زیرا شایستگی‌های عاطفی، در ساختن محیطی مساعد و برانگیزاننده برای یادگیری و نیز برقراری ارتباط موثرتر، به ایفای نقش می‌پردازد. از طرفی، تحقیقات گوناگون نشان داده است که یادگیری بدون ارتباط با احساسات دانش‌آموزان، تحقق نمی‌پذیرد و برنامه‌های عاطفی سطح

¹Learning²Emotions³Information Technology⁴Education⁵Figurative Class⁶Electronic Learning⁷Online⁸Information Technology and Communication⁹Emotional Component Learning¹⁰Self Awareness¹¹Self Regulation¹²Self Motivation¹³Social Awareness¹⁴Social Skills¹⁵Cognitive Learning¹⁶Smart School¹⁷Diuno

پژوهش حاضر از نوع علی-مقایسه‌ای^۴ است و میزان شایستگی‌های عاطفی یادگیری دو گروه از دانش‌آموزان دختر دوره‌ی راهنمایی مدارس عادی و هوشمند را با هم مقایسه کرده است تا اثرات ساختار دو نوع مدرسه (عادی و هوشمند) در توسعه‌ی شایستگی‌های عاطفی یادگیری دانش‌آموزان مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. جامعه آماری این پژوهش تمام دانش‌آموزان دختر دوره‌ی راهنمایی مشغول به تحصیل شهرستان رودسر در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ می‌باشد که بر حسب آمار اخذ شده بالغ بر ۵۶۲ نفر بودند. نمونه آماری، شامل ۲۳۰ نفر از دانش‌آموزان دختر دوره‌ی راهنمایی تحصیلی (۱۲۸ نفر از مدارس عادی و ۱۰۲ نفر مدارس هوشمند) می‌باشد که با استفاده از جدول مورگان و کرجسی^۵ و به روش روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی انتخاب شدند.

ابزار پژوهش

در پژوهش حاضر از پرسشنامه‌ی ۵۲ گویه‌ای شایستگی‌های عاطفی گلمن^۶ (۱۹۹۸) استفاده شده است. این پرسشنامه پنج درجه‌ای در مقیاس لیکرت است و گویه‌های ۱ تا ۱۱ مربوط به مؤلفه‌ی خودآگاهی، گویه‌های ۱۲ تا ۲۲ مربوط به خودتنظیمی، گویه‌های ۲۳ تا ۳۱ مربوط به خودانگیزی، گویه‌های ۳۲ تا ۴۲ مربوط به آگاهی اجتماعی و گویه‌های ۴۳ تا ۵۲ مربوط به مهارت‌های اجتماعی می‌باشد. همچنین، برای سنجش پایایی پرسشنامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد که پایایی آزمون ۰/۸۴ محاسبه گردید (۶).

نتایج

جدول ۱- میانگین و انحراف استاندارد مولفه‌های شایستگی‌های

گروه	مدارس عادی (۱۲۸ نفر)		مدارس هوشمند (۱۰۲ نفر)	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
خودآگاهی	۳۳/۱۸	۳/۸۸۱	۳۲/۵۵	۴/۲۸۴
خودتنظیمی	۳۰/۸۰	۴/۴۸۸	۳۰/۷۷	۴/۰۴۷
خودانگیزی	۲۷/۷۴	۳/۵۷۶	۲۷/۰۷	۳/۵۸۶
آگاهی اجتماعی	۳۲/۴۵	۵/۱۷۷	۳۳/۳۶	۵/۱۹۳
مهارت‌های اجتماعی	۳۰/۰۰	۴/۹۸۰	۳۰/۲۲	۴/۴۶۹
کل	۱۵۴/۴۷	۱۷/۲۰۰	۱۵۳/۲۸	۱۳/۶۷۰

همان‌طور که در داده‌های جدول ۱ مشاهده می‌شود، بین میانگین شایستگی‌های عاطفی دانش‌آموزان دختر مدارس راهنمایی عادی و هوشمند، تفاوت وجود دارد. به این معنی که میانگین کل شایستگی‌های عاطفی دانش‌آموزان مدارس عادی (۱۵۴/۴۷) اندکی بیشتر از میانگین

نمرات پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان و عملکرد آنها را بهبود می‌بخشد. به عبارت دیگر، زمانی که دانش‌آموزان فاقد مهارت‌های لازم برای کنار آمدن با مشکلات خود هستند یا از مهارت‌های اجتماعی، خودمدیریتی و عدم شناخت استعدادهای خود بی‌بهره‌اند، هر برنامه‌ی آموزشی هرچند پرمحتوا به پیشرفت تحصیلی شان کمک نخواهد کرد (۷). در این زمینه، نتایج پژوهش اسپنس و همکاران^۱ و وانگ و همکاران^۲ نیز مشخص شد که به رسمیت شناختن احساسات، یکی از گام‌های کلیدی در یادگیری است و توجه به توسعه‌ی شایستگی‌های عاطفی دانش‌آموزان علاوه بر موفقیت تحصیلی آنها، تعهد به یک هدف عمیق‌تر و طولانی‌مدت، بهزیستی و توسعه شخصی، رضایت درونی، برقراری روابط مثبت با دیگران و داشتن زندگی شادتر و سالم‌تر را به ارمغان می‌آورد (۸). گارنر^۳ نیز در پژوهشی با عنوان تاثیر شایستگی‌های عاطفی در تدریس و یادگیری دانش‌آموزان گزارش کرد که رابطه‌ی مثبتی بین عواطف با ثبات و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در مدارس وجود دارد و نوجوانان با عواطف مدیریت شده هم از نظر تحصیلی و هم از نظر اجتماعی عملکرد بهتری خواهند داشت (۹).

صاحب‌نظران تعلیم و تربیت بر این باورند که اهمیت شایستگی‌های عاطفی یادگیری، به دلیل ماندگاری و پایداری یادگیری‌هایی است که تولید می‌کند. از نظر آنها اتفاقات طرح ریزی نشده و غیرارادی، چون از طریق حضور دانش‌آموزان در بطن و متن موقعیت‌های تربیتی و دریافت پیام‌های مختلفی که در این موقعیت‌ها درک و درونی می‌شود و عواطف آنها را درگیر می‌سازد، می‌تواند به عنوان میراث ماندگار دوران تحصیل در سراسر عمرشان جاری باشد. علاوه بر این، شایستگی عاطفی نه تنها در پایداری یادگیری دانش‌آموزان نقش موثری بازی می‌کند بلکه از پیامدهای مثبت آن در زندگی، کمک به پیشرفت تحصیلی، موفقیت در کار، تحمل استرس، افزایش بهره‌وری و کارایی گروهی، و به طور کلی همزیستی و رفاه اجتماعی است (۹). با وجود این، و به رغم اهمیت فراوانی که شایستگی‌های عاطفی یادگیری می‌تواند در رشد شخصی و اجتماعی دانش‌آموزان داشته باشد، کمتر پژوهشی به طور یک‌جا و همه‌جانبه به بررسی و مقایسه‌ی این موضوع پرداخته است. از این رو، پژوهش حاضر در صدد است تا شایستگی‌های عاطفی یادگیری دانش‌آموزان مدارس عادی با مدارس هوشمند را بررسی نماید.

روش کار

¹Spence and Etal

²Wang and Etal

³Garner

⁴Causal-Comparative

⁵Morgan and Kerjcie

⁶Golman

بحث

پژوهش حاضر با هدف مقایسه‌ی شایستگی‌های عاطفی یادگیری دانش‌آموزان دختر دوره‌ی راهنمایی تحصیلی در مدارس عادی و هوشمند انجام شد. همان‌طور که انتظار می‌رفت بین شایستگی‌های عاطفی یادگیری دانش‌آموزان دختر مدارس عادی و هوشمند تفاوت معناداری مشاهده نشد. در بررسی و تبیین کلی یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت که یادگیری توأم با هیجان اساساً پایدارتر است و احساس و عاطفه سبب انگیزش می‌شود و دانش‌آموزان را به یادگیری تشویق می‌کند. همچنین، غالب صاحب‌نظران بر این نکته‌ی اساسی اتفاق نظر دارند که شایستگی عاطفی نه تنها در پایداری یادگیری دانش‌آموزان نقش موثری بازی می‌کند، بلکه، از پیامدهای مثبت آن در زندگی، کمک به پیشرفت تحصیلی، موفقیت در کار، تحمل استرس، افزایش بهره‌وری و کارایی گروهی و به طور کلی همزیستی و رفاه اجتماعی است (۱۰). بر اساس نتایج پژوهش حاضر، به نظر می‌رسد که تغییر در زیرساخت‌ها و توسعه‌ی مدارس هوشمند به رغم آن که روند اجرای کلیه فرایندها اعم از مدیریت، یاددهی و یادگیری، منابع آموزشی و کمک آموزشی، ارزشیابی و غیره مبتنی بر فناوری و پژوهش محور است، اما این امر لزوماً با رشد شایستگی‌های عاطفی یادگیری دانش‌آموزان مغایرتی ندارد و احتمالاً آن را با محدودیت و چالش روبرو نکرده است. توضیح دیگر در مورد یافته‌های پژوهش حاضر این است که ممکن است آموزش و مهارت‌های عاطفی دانش‌آموزان مدارس عادی و هوشمند مورد مطالعه، با برنامه‌های مداخله‌ای مدرسه در قالب فعالیت‌های گوناگون کلاسی، فوق برنامه، آموزش معلمان و والدین دانش‌آموزان و غیره پشتیبانی و گسترش نمی‌یابد (۱۱) و این رفتارها توسط مدیران که رهبران تحول در مدارس هستند و بیشترین تاثیر را در بروز شایستگی‌های عاطفی دانش‌آموزان دارند (۱۲) کمتر صورت می‌گیرد. بنابراین، احتمال دارد این امر در عدم معناداری در تفاوت شایستگی‌های عاطفی دانش‌آموزان در مدارس عادی و هوشمند تا اندازه‌ای دخیل بوده باشد.

این نتیجه در ایران از بعد مقایسه‌ی شایستگی‌های عاطفی یادگیری دو گروه از دانش‌آموزان مدارس عادی و هوشمند، جدید و منحصر به فرد می‌باشد. با وجود این، نتایج این تحقیق از برخی ابعاد با پژوهش‌های انجام شده، همسو است. یافته پژوهشی گارنر نشان داد که رابطه‌ی مثبتی بین عواطف با ثبات و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در مدارس وجود دارد و نوجوانان با عواطف مدیریت شده هم از نظر تحصیلی و هم از نظر اجتماعی عملکرد بهتری در مدرسه خواهند داشت (۹). پارکر و همکاران (۱۱) نیز در پژوهش خود با عنوان مطالعه‌ی ارتباط بین شایستگی‌های

کلی دانش‌آموزان مدارس هوشمند (۱۵۳/۲۸) است. همچنین، میانگین نمرات دانش‌آموزان مدارس عادی در سه مولفه خودآگاهی (۳۳/۱۸)، خودتنظیمی (۳۰/۸۰) و خودانگیزشی (۲۷/۷۴) اندکی بیشتر از دانش‌آموزان مدارس هوشمند، و میانگین نمرات دانش‌آموزان مدارس هوشمند در ابعاد آگاهی اجتماعی (۳۳/۳۶) و مهارت‌های اجتماعی (۳۰/۲۲) کمی بالاتر از دانش‌آموزان مدارس عادی می‌باشد.

جدول ۲- نتایج آزمون تی برای معناداری تفاوت میانگین شایستگی

متغیر	گروه	t	df	معناداری تفاوت	تفاوت خطای	فاصله اطمینان
				میانگین	معیار	%۹۵
				حد پایین حد بالا		
شایستگی	تسای	۰/۵۶۷	۲۲۸	۰/۵۷۱	۱/۱۸۴	۲/۰۸۸
وارianس						۲/۹۳۰
عاطفی						۵/۲۹۹

بر اساس نتایج جدول ۲ چون تی محاسبه شده در سطح آلفای ۵ درصد معنادار نیست ($t=0/567$, $P>0/05$) بنابراین، با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان بیان کرد که بین شایستگی عاطفی یادگیری دانش‌آموزان دختر مدارس راهنمایی عادی و هوشمند، تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول ۳- نتایج آزمون تی برای معناداری تفاوت میانگین مولفه‌های

متغیر	t	df	معناداری تفاوت	تفاوت	خطای معیار	فاصله اطمینان
						%۹۵
				حد پایین حد بالا		
خود آگاهی	۱/۱۶۹	۲۲۸	۰/۲۲۴	۰/۶۳۱	۰/۵۳۹	-۱/۴۳۲
خود تنظیمی	۰/۰۵۳	۲۲۸	۰/۹۵۸	۰/۰۳۰	۰/۵۷۰	۰/۰۹۴
خود انگیزشی	۱/۴۱۷	۲۲۸	۰/۱۵۸	۰/۶۷۴	۰/۴۷۵	۰/۲۶۳
آگاهی اجتماعی	-۰/۳۳۳	۲۲۸	۰/۱۸۴	۰/۹۱۷	۰/۶۸۸	-۲/۲۷۳
مهارت‌های اجتماعی	۰/۳۴۱	۲۲۸	۰/۷۳۳	۰/۲۱۶	۰/۶۳۲	-۱/۴۶۱

با توجه به نتایج جدول ۳ در شرایط یکسانی واریانس، بین میانگین‌های نمرات مولفه‌های شایستگی عاطفی شامل خودآگاهی، خودتنظیمی، خودانگیزشی، آگاهی اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دختر مدارس عادی و هوشمند تفاوت معنادار مشاهده نشد. داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد که تی محاسبه شده در تمام موارد و در سطح آلفای ۵ درصد معنادار نیست ($P>0/05$). بنابراین، با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان بیان کرد که بین مولفه‌های شایستگی عاطفی یادگیری دانش‌آموزان دختر مدارس راهنمایی عادی و هوشمند، تفاوت معناداری وجود ندارد.

روش‌ها و ابزارهای پژوهشی دیگری به تحقیق در این زمینه بپردازند و نتایج را با یکدیگر مقایسه کنند. به سبب اهمیت توسعه‌ی شایستگی‌های عاطفی دانش‌آموزان و نیز کمبود پژوهش، در این زمینه پژوهش‌های گسترده‌تری صورت گیرد.

نتیجه‌گیری

از آنجا که شایستگی‌های عاطفی به بهبود یادگیری دانش‌آموزان کمک می‌کند و توفیق در این امر در گرو آموزش‌های صحیح این مهارت‌ها به مدیران، معلمان و مربیان است بنابراین لازم است ترتیبی اتخاذ شود تا این افراد در مراکز تربیت معلم، دوره‌های ضمن خدمت، برگزاری کارگاه‌های آموزشی در قالب پژوهش‌های عمل‌نگر (اقدام پژوهی) با این راهبردها و لزوم آموزش آنها به دانش‌آموزان آشنا شوند.

عاطفی و پیشرفت تحصیلی نوجوانان، دریافتند که شایستگی‌های عاطفی به عنوان یک پیش‌بینی‌کننده‌ی مهم و قابل توجه در موفقیت‌های تحصیلی دانش‌آموزان در تمام پایه‌ها و بدون هیچ تفاوت جنسیتی، مطرح است و دانش‌آموزان با شایستگی عاطفی بالا، تحصیلات موفق‌تری انجام می‌دهند.

به برنامه‌ریزان، مولفان و دست‌اندرکاران امرآموزش و پرورش پیشنهاد می‌شود به منظور ارتقای شایستگی‌های عاطفی دانش‌آموزان، با استفاده از تحقیقات و تجارب مدارس پیشرو در ایران و سایر کشورهای جهان، برنامه‌های عملی مناسب‌تر و متنوع‌تری در این زمینه را تدوین و در برنامه‌های آموزشی مدارس بگنجانند. از آنجا که در این تحقیق تفاوت بین شایستگی‌های عاطفی دانش‌آموزان دختر مدارس راهنمایی عادی و هوشمند معنادار نگردید، به دانشجویان و محققان پیشنهاد می‌شود از

References

1. Shoarinezhad AA. [Cognitive training principles]. Tehran: Institute of humanity and cultural studies; 1996. (Persian)
2. Asemi A. [Smart schools, tomorrow schools]. Educational technology 2009; 7: 27-9. (Persian)
3. Esmaeel PanahAmlashi Z. [Emotional intelligence effectiveness on the social skills and the way to confront with the female Shahed high school students stress]. MS. Dissertation. Islamic Azad University, Tonekabon branch, 2010. (Persian)
4. Sheehan BJ, McDonald MA, Spence K. Developing students emotional competency using the classroom-as-organization approach. J Manag Educ 2009; 33(1): 77-98.
5. Falatoni F. [Comparison between motivational beliefs and self-regulation learning strategies in the talented and normal students]. Master degree thesis Islamic Azad University Dezfool branch; 2010. (Persian)
6. Goleman D. Emotional Intelligence, why it can matter more than IQ. Bantam, New York, NY: Bantam Books; 1997.
7. Garner PW. Emotional competence and its influences on teaching and learning. Educ Psychol Rev 2010; 22(3): 297-321.
8. Sheehan BJ, McDonald MA, Spence K. Developing students emotional competency using the classroom-as-organization approach. J Manag Educ 2009; 33(1): 77-98.
9. Garner PW. Emotional competence and its influences on teaching and learning. Educ Psychol Rev 2010; 22(3): 297-321.
10. Shen L, Wang M, Shen R. Affective e- learning: using; emotional, data to improve learning in pervasive learning environment. Educ Tech Soc 2009; 12(2): 176-89.
11. Bar-On J, Parker DA. Competence Inventory (ECI). In: Handbook of emotional intelligence. San Francisco: Jossey-Bass; 1999: 2-35.
12. Hackett PT, Hortman W. The relationship of emotional competencies to transformational leadership: Using a corporate model to assess dispositions of educational leaders. J Educ Res Policy Stud 2008; 8(1): 92-11.